

## تکثیر نسل انسانی با بهره‌گیری از تکنولوژی جدید<sup>۱</sup>

آیت الله تسخیری<sup>۲</sup>

برگردان: سید جلال میرآقایی

### چکیده

تکثیر نسل انسانی به وسیله تکنولوژی جدید دارای شیوه‌های متعددی است. روش‌های استفاده از بارورهای آزمایشگاهی (اعم از داخل یا خارج از رحم) و یا مهندسی ژنتیک در تعیین جنسیت (پسر یا دختر) با رعایت برخی شرایط شرعی به‌ویژه در روابط بین همسران با هیچ مانعی روبه‌رو نیست. در شیوه شبیه‌سازی که با استفاده از هسته سلولی از یک موجود زنده صورت می‌گیرد، طرفداران و مخالفان جدی از فقها و دانشمندان تجربی وجود دارند و هر دسته دلایلی - که در برخی موارد، اغراق‌آمیز نیز می‌باشد - ارائه نموده‌اند. در این مقاله ضمن بیان فهرست‌وار ادله طرفین، ارزیابی مختصری از این ادله ارائه گردیده و نتیجه‌گیری شده است که با توجه به این‌که علم به تمامی انسان‌ها تعلق داشته و نباید به‌خاطر برخی احتمال‌ها و گمان‌ها بشریت را از نتایج علوم و دانش محروم ساخت، با تأکید بر حفظ رعایت شرع، اصل شبیه‌سازی با موانع عمده شرعی روبه‌رو نیست.

**واژگان کلیدی:** تکثیر نسل انسانی، مهندسی ژنتیک، شبیه‌سازی، شرایط شرعی.

قبل از هر چیز باید تفاوت بین حالت‌های مختلف تکثیر نسل انسانی از راه بهره‌گیری از تکنولوژی جدید آشکار گردد.

حالت اول شبیه‌سازی، تولید نسلی درست شبیه موجود قبلی است، بدون نیاز به لقاح سلول جنس مذکر با سلول جنس مؤنث. این حالت خود به دو نوع تقسیم می‌شود: شبیه‌سازی حیوانی و شبیه‌سازی گیاهی.

۱- تاریخ ورود: ۱۳۹۰/۷/۱۱؛ تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۲/۵.

۲- دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

حالت دوم، بهره‌گیری از تکنولوژی جدید برای انجام باروری آزمایشگاهی (خارج از رحم) بین دو جنس مذکر و مؤنث و سپس قرار دادن آن در رحم مادر یا هووی او و یا مادری اجاره‌ای است. و نیز حالت باروری آزمایشگاهی بین نطفه‌های زن و مردی که با هم هیچ‌گونه نسبت زوجیت و محرمیت ندارند.

حالت سوم، مهندسی ژنتیک است که تکنولوژی جدید در تعیین جنس جنین (پسر یا دختر بودن او) و یا ایجاد تغییر در صفات آن دخالت می‌کند و می‌تواند در مورد انسان یا حیوان و یا گیاهان کاربرد داشته باشد.

البته موضع اخلاقی و دینی در هر یک از موارد بالا متفاوت است. بنابراین ابتدا باید موارد زیر مطرح گردد، سپس به حالت‌های باروری آزمایشگاهی و شبیه‌سازی پرداخته شود. اول: این موضوع در مورد انسان نسبت به سایر موجودات تفاوت می‌کند، زیرا انسان امتیازاتی دارد که او را محور همه آفریده‌ها قرار داده و آسمان‌ها و زمین به تسخیر او درآمده است. اما در مورد غیرانسان، مصلحت انسان‌ها و طبیعتی که انسان در آن زندگی می‌کند و نیز نیازهای حیاتی او ملاک و معیار اساسی است؛ از این رو محور بحث ما تکثیر نسل انسانی از راه به‌کارگیری تکنولوژی جدید است و حالت‌های دیگر را متعرض نمی‌شویم.

دوم: باروری آزمایشگاهی از تکنولوژی علمی بهره می‌گیرد و این امر مانعی ندارد، زیرا تکنولوژی برای برداشتن موانع است و یا آماده‌سازی شرایط برای جریان یافتن عمل طبیعی موجودات؛ از این رو حالت‌هایی را شامل می‌شود که جایز بودن آن قطعی است؛ مثل باروری آزمایشگاهی بین زوجین و نیز حالت‌های دیگری که ذکر خواهد شد.

و از این‌جا است که می‌گوییم نازایی بدون شک نوعی بیماری است، زیرا به‌معنای نقص از حالت طبیعی و عدم پاسخ‌گویی به میل به تولید مثل است. این حالت اگر به مرز ضرورت‌ها رسید به همان اندازه موجب اباحه محظورات خواهد شد و روشن است که به‌کارگیری راه‌های پزشکی از این قبیل بین همسران هیچ‌گونه آثار منفی معتناهی بر روابط اصلی بین آنها و فرزندانشان بر جای نخواهد گذاشت.

اما به‌کارگیری آزمایش‌های ژنتیک قبل از حاملگی و تأثیر آن بر ویژگی‌های فرزندان، به‌منظور تقویت توان و مقاومت آنها در برابر بیماری‌ها و نیز با هدف پاسخ‌گویی به تمایل مشروع والدین بر این امر، دارای هیچ‌گونه دلیل شرعی بر حرمت نیست، به‌شرط آن‌که این آزمایش‌ها از تأثیرات منفی بر زندگی و سلامت والدین و کودکان به‌دور باشد. و دلایل کسانی که می‌گویند سالم‌سازی نسل‌ها و گزینش نوع فرزند باعث تبعیض می‌شود، مورد قبول نیست. بلکه این کار در جایی که ثابت شود که جنین دچار بیماری خطرناکی برای حفظ سلامتی کودک است، حالت وجوب پیدا می‌کند. حتی اگر اصلاح ژنتیک امکان‌پذیر نباشد و ترس قوی نسبت به ادامه حیات جنین یا مادرش در بین باشد تجویز

کورتاژ و سقط جنین هم ممکن است، به ویژه اگر جنین در مراحل اولیه شکل‌گیری باشد. به هر حال قانون تزاخم بین اهم و مهم در این موارد تعیین‌کننده حکم شرعی است.

با این همه، ما معتقدیم که به‌کارگیری شیوه‌های تعلیم و تربیت، برای رشد توان‌مندی‌های طفل امری ضروری است، هر چند که تکنولوژی ژنتیک هم در تکمیل این توان‌مندی‌ها مؤثر باشد، زیرا بسیاری از استعدادهای معنوی انسان‌ها نیازمند تربیت است.

سوم: آیا تکثیر نسل از راه به‌کارگیری تکنولوژی، سبب به‌وجود آمدن شکاف بین فعالیت‌های جنسی و تولید مثل انسانی به‌صورت طبیعی نمی‌شود؛ آثار این کار بر خانواده و کودک چیست؟ در این خصوص باید گفت اگر موضوع را در چارچوب روابط بین زن و شوهر ارزیابی کنیم، به‌کارگیری شیوه‌های مختلف جدید در باروری و حتی رشد جنین مشکلی را در پی نخواهد داشت و از نشاط جنسی آنها نخواهد کاست و در صورتی که با رضایت کامل زوجین انجام شود، بر روابط خانوادگی هم اثر منفی نخواهد گذاشت. اما صرف‌نظر از رابطه بین زن و شوهر موضوع به‌طور کلی تفاوت می‌کند.

اسلام با احکام متنوعش تلاش می‌کند فعالیت‌های جنسی انسان‌ها را به سود تشکیل خانواده پاک و شایسته سوق دهد و با هر اندیشه‌ای که تلاش کند آن را در بستری دیگر به جریان اندازد مبارزه کرده، مجازات‌های سخت بر آن وضع می‌کند.

چهارم: اصلاح نسل پیش‌گفته و گزینش نوع جنین، فقط در جهت تکمیل توان‌مندی‌های کودک و یا خانواده است، (برای نمونه، گزینش فرزند پسر)، در نتیجه، این امر با حفظ کرامت طبیعی انسانی و حقوق بشر هماهنگی کامل دارد و این وظیفه تعلیم و تربیت است که نقش بزرگ‌تری برای شکوفایی نیروهای معنوی و آموزش شیوه اخلاقی سالم همراه با خیرخواهی و شایسته‌پروری به‌عهده بگیرد تا شخصیتی انسانی و بالنده خلق کند که بتواند با کرامت اکتسابی خود، از کرامت ذاتی‌اش نیز برتر باشد. پس هیچ توجیه شرعی وجود ندارد که موجب نگرانی پدید آمدن تبعیضات اجتماعی در جامعه در نتیجه به‌کارگیری تکنولوژی‌های جدید در امر تکثیر نسل و اصلاح آن، که عاملی است برای رشد توان‌مندی‌ها و افزایش نتایج، بشود، و این امر با استعمال روان‌گردان‌های نشاط‌آور ممنوع که اثرات زیانباری بر زندگی انسان دارد قابل قیاس نیست.

پنجم: حقیقت آن است که هر گونه دخالت در مهندسی ژنتیک، دخالتی طبیعی در راستای توان‌مندسازی آن است و نمی‌تواند بر فطرت انسان که شخصیت او را شکل داده، قدرت اراده، انگیزه، تحلیل عقلی و سمت و سوی او به‌سوی کمال را تحقق می‌بخشد، تأثیرگذار باشد. آری، باید به سختی از هر گونه دخالت منفی خطرآفرین که عامل پیدایش حس درندگی و وحشی‌گری بوده، نیروی عقل و اراده را از انسان می‌گیرد، دوری نمود.

ششم: اسلام کانون خانواده را سنگ بنای اجتماع دانسته، نظریات اجتماعی و احکام خانوادگی را بر تحکیم آن مبتنی می‌سازد و به‌شدت در مقابل هر چه به تخریب آن بینجامد می‌ایستد. بنابراین در موضع‌گیری در برابر هر پدیده اجتماعی باید این مسئله مورد نظر قرار گیرد.

هفتم: اصل در زندگی انسانی بر مبنای شریعت اسلامی، اباحه است و این قانون هر گونه تصرف انسانی را جایز می‌داند، تا زمانی که دلیلی بر منع و حرمت آن ثابت شود؛ بنابراین نمی‌توان چیزی را بدون دلیل کافی حرام دانست، هم‌چنان که نمی‌توان چیزی را که دلیل کافی بر حرمت آن در دست است، جایز اعلام نمود.

هشتم: ما به این نکته باور داریم که هر گونه پیشرفتی در دانش بشری و هر حقیقت علمی که برای انسان کشف شود، در چارچوب عظمت پروردگار قرار می‌گیرد و به‌کارگیری آن به‌معنای به‌کارگیری قوانین و سنت‌های پروردگار است، نه مخالفت با آنها و تغییر خلقت او؛ و مفهوم نهی پروردگار از تغییر خلقت و نواهی او در این مورد، که در شریعت اسلام بیان شده است، منع از بازیچه قرار دادن نیروهای فطری است که به آن اشاره شد، و یا منظور، منع از حيله و نیرنگ در امر خلقت با هدف شعبده و سحر دروغین است که موجب فریب مردمان و به هدر دادن ثروت‌های طبیعی است که خداوند در اختیار انسان‌ها قرار داده است.

نهم: هر پدیده علمی جدید، به ویژه اگر با مسائل حیاتی این‌چنینی ارتباط داشته باشد و مسیر زندگی بشر را تغییر دهد، به طور قطع فضایی عاطفی به‌وجود آورده، افکار و اندیشه‌ها را در حدسیات و فرضیات گوناگونی غرق می‌سازد که برخی جالب و برخی دیگر هولناک است. به‌طور طبیعی هر فرضیه‌ای طرفدارانی خواهد یافت و در این فضا، هر پژوهشگری نمی‌تواند موضوع را بی‌طرفانه ارزیابی نماید و او ناخودآگاه به این سو و یا آن سو تمایل پیدا خواهد کرد و در این بین دست‌یابی به یک رأی اجتماعی یا علمی و یا فقهی موضوعی و بی‌طرفانه بعید به نظر می‌رسد.

دهم: نمی‌توان در برابر پژوهش‌های علمی ایستاده، به ویژه اگر در حدی به این گستردگی دارای اثر باشد و نیز به خصوص اگر بخواهد دنیای مجهولی را کشف کرده، بر تاریکی‌ها و پیچیدگی‌هایش فائق آید. از این رو قبل از صدور هر گونه حکم مطلق باید به‌طور کامل تأمل کرده، حالت‌های مختلفی را که خواسته و یا ناخواسته با آن روبه‌رو می‌شویم، به‌حساب آوریم.

یازدهم: گاهی برخی فرضیات، تصوراتی دراماتیک در قوه خیال آدمی خلق خواهد کرد و بر نتیجه پژوهش اثر منفی خواهد گذاشت، هم‌چنان که برخی دیگر انسان را از به‌کارگیری منفی و بهره‌برداری‌های سوء برحذر می‌دارد. این فرضیات فقها و متشرعان را وامی‌دارد تا برای جلوگیری از انجام کار حرام، موضوع را به‌کلی و به‌طور مطلق تحریم کنند، هم‌چنان که در گذشته، در موضوع تلقیح آزمایشگاهی (خارج رحمی) و مسائل پیرامونی آن شاهد بودیم.

اما به تدریج فقها تسلیم وضع موجود شده به بررسی موضوع در حالت‌های مختلف آن به دور از غوغاها و فرضیات، گرایش پیدا کردند و هنوز هم به باور ما این پژوهش‌ها به پختگی لازم نرسیده است.

دوازدهم: راه صحیح، بررسی هر یک از پدیده‌ها و میزان انطباق عناوین حلال و یا حرام بر آنها، سپس شناخت آثار و عوارض احتمالی آن است تا از راه شناخت احکام عناوین و آثار، حکم کلی پدیده به دست آید. در این راستا گاهی نتایج خوب و بد آنها با یکدیگر در هم می‌آمیزد و انسان را به تأمل بیشتر و بررسی اثر و نتیجه غالب وامی‌دارد.

سیزدهم: باید اعتراف کنیم که تنها متخصصان علوم طبیعی حق دارند که آثار مثبت و یا زیانبار را در این نوع از بررسی‌ها اعلام نمایند و ما نمی‌توانیم قبل از به نتیجه رسیدن آنها در این پژوهش‌ها اعلام نظر فقهی کنیم. آری، هر گاه آنها به نتیجه‌ای هر چند نزدیک به قطعی رسیدند، ما می‌توانیم میزان انسجام آن را با اصول و ارزش‌های اسلامی، باورهای دینی، نظریات سیاسی، اجتماعی و برنامه‌ریزی‌های خود برای زندگی ملاحظه نماییم. بنابراین عجله کردن در صدور حکم تا زمانی که نتایج بررسی‌های علمی قطعیت نیافته، شایسته نیست.

### باروری آزمایشگاهی

برای باروری آزمایشگاهی احکامی عام وجود دارد که به اختصار ذکر می‌گردد:

- ۱- باروری سلول جنسی مرد و همسرش، به هر شکلی که باشد، جایز است، به شرط آن که از مقدمات حرام، (مثل این که پزشک معالج نامحرم باشد، یا عمل باروری مستلزم نگاه کردن به مواضع ممنوعه باشد) خودداری شود؛
- ۲- اگر عمل باروری با مقدمات حرام انجام شود ولی اسپرم مرد و تخمک زن متعلق به زن و شوهر باشد، بدون شک کودک به دنیا آمده فرزند آنها است؛
- ۳- باروری با اسپرم غیرشوهر جایز نیست، چه زن، شوهر داشته باشد یا نه، زن و شوهر به این امر راضی باشند یا نه، زن با مرد صاحب اسپرم محرم باشد یا نباشد؛
- ۴- هرگاه زن، شوهردار باشد و باروری با اسپرم غیرشوهر انجام شود و آنها بدانند که فرزند، حاصل این باروری است، بدون شک فرزند به شوهر زن ملحق نمی‌شود؛
- ۵- در این نوع از امور احتیاط کردن راه نجات است. در پرتو احکام بالا حالت‌های زیر قابل استنتاج است:  
الف: گرفتن اسپرم شوهر و قرار دادن آن در محلی مناسب در رحم زن جایز است؛  
ب: گرفتن اسپرم شوهر و تخمک همسر او، و بارور ساختن آن در لوله آزمایشگاهی (خارج رحم) سپس برگرداندن آن به رحم همسر جایز است؛

ج: فرض بالا و قرار دادن نطفه بارور شده در رحم همسر دوم مرد نیز مانع ندارد؛  
د: قرار گرفتن نطفه بارور شده مذکور در رحمی اجاره‌ای و یا داوطلب (مجانی) جایز است و آثار منفی روحی - روانی و اخلاقی که در این مورد بیان می‌شود به حدی نیست که موجب حرمت عمل بشود؛

ه: هر فرضی که باروری را از چارچوب زوجین خارج سازد حرام است و مانع جاری شدن احکام فرزند بر کودک حاصل از باروری می‌شود.  
موضوعی که باقی می‌ماند، از بین بردن نطفه‌های بارور شده اضافی است که دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد، زیرا از نظر عرف، عنوان قتل بر آن صدق نمی‌کند و در بحث شبیه‌سازی توضیح بیشتری درباره آن بیان خواهد شد.

## شبیه‌سازی و احکام فقهی آن

شبیه‌سازی چیست؟

دانشمندان، شبیه‌سازی را به انواع گوناگونی دسته‌بندی می‌کنند که از جمله آن، نوع سنتی و نوع جدید است.

شبیه‌سازی به شیوه سنتی به معنای دستیابی به افرادی شبیه اصل از جنس گیاهان یا حیوانات است بدون این‌که به بارورسازی سلول‌های جنسی مذکر یا مؤنث نیاز باشد. این شیوه از راه وارد ساختن هسته سلولی از یک موجود زنده (سلول جسمی) مثل یک سلول پوستی به داخل تخمک رسیده از همان موجود، پس از تخلیه تخمک از محتویاتش صورت می‌گیرد. تخمک بارور شده سپس شروع به تقسیم سلولی می‌کند اما نه در جهت شکل‌گیری سلول‌های پوستی، بلکه تحت تأثیر مایع سلولی سیتوپلاسم، شکل‌گیری جنینی درست مطابق موجودی که از آن، سلول جسمی گرفته شده آغاز می‌شود.

اما شیوه جدید شبیه‌سازی بر جلوگیری از پاره شدن دیواره ضخیم یک سلول استوار است تا از انقسام سلولی معهود در سلول‌های جنسی جلوگیری شود. توضیح این‌که: حالت طبیعی معهود این است که اسپرم جنس مذکر که نصف عدد کروموزوم‌های سلول انسانی را در بر دارد (۲۳ عدد) تخمک رسیده‌ای را که آن هم حامل نصف دیگر کروموزوم‌های سلول انسان است (۲۳ عدد) سوراخ کرده وارد آن می‌شود تا به کمک یک‌دیگر، در سلول به وجود آمده جدید ۴۶ عدد کروموزوم تشکیل داده تعداد کروموزوم‌های انسانی مورد نیاز را تکمیل نمایند. این سلول جدید که از مجموع دو سلول اسپرم و تخمک حاصل شده سپس به دو، چهار، هشت، شانزده، سی و دو و... سلول افزایش می‌یابد. اما دانشمندان با محصور کردن سلول ترکیبی از اسپرم مرد و تخمک زن، از پاره شدن دیواره آن

جولوگیری می‌کنند. این سلول وقتی [در درون خود] به دو قسم تقسیم شد، هر یک از آنها خود را تخمک مادر تصور کرده، شروع به رشد و نمو تا رسیدن به مرحله جنینی می‌کند و این جنین‌ها در تمامی صفات با یکدیگر مشابهت کامل خواهند داشت.

شایان توجه است که شبیه‌سازی به هر دو شکل سنتی و جدید از باروری سلول جنسی مذکر و تخمک جنس مؤنث ولو در مراحل سابق آن بی‌نیاز نیست. این امر در شکل جدید روشن است و اما در شیوه قدیم و سنتی به خاطر آن است که سلولی که مثلاً از پوست یک مرد برداشته شده (سلول جسمی) همان چیزی است که در مراحل سابق خود از سلول بارور شده (مذکر و مؤنث) به دست آمده است و این که تخمک، فعال شده و به فعالیت خود ادامه می‌دهد تا به یک حیوان تبدیل شود، خود محصول یک ازدواج است، اما این حیوان آن‌گونه که متخصصان می‌گویند، عقیم و مشوه باقی خواهد ماند.

درباره موضوع شبیه‌سازی در دنیا بسیار سر و صدا شده است به گونه‌ای که دانشمندان علوم طبیعی و اجتماعی و نیز فقها به دو دسته طرفدار و مخالف با آن تقسیم شده‌اند و تخیلات قصه‌پردازان، اوهام بسیار در اطراف آن خلق کرده است. به تعبیر آقای دکتر حسان تحتوت کسانی که در برابر هر پدیده جدیدی عبارت «نگفتم؟ دیدی حرف من درست بود؟» ورد زبانشان است، فرضیات بسیار بافته‌اند و بافته‌اند ....

### آرای طرفداران شبیه‌سازی

الف: آنها بر دو نکته اساسی تأکید می‌کنند:

۱- دلیلی که انجام این کار را منع کرده باشد در دست نیست؛

۲- آثار و نتایج مثبت و بزرگی از این کار انتظار می‌رود. این امر چشم‌اندازهای علمی گسترده‌ای به روی انسان‌ها می‌گشاید. و در همین راستا مسائل بسیاری ذکر می‌کنند، مثل: شناخت ریشه‌های بیماری سرطان، آثار منفی ژنتیک، عوامل مقاومت در برابر بیماری‌ها، علت‌های سقط جنین، راه‌های جولوگیری از حاملگی و مانند آن.

ب: این موضوع در خصوص باروری افراد مبتلا به نازایی آثار مثبتی بر جای می‌گذارد و به آنان فرزند عطا می‌کند.

ج: این کار تا حد زیادی سلامت نسل‌های آینده را تضمین کرده زندگی آنها را بهبود می‌بخشد.

د: این امر در بهره‌برداری و استفاده از ویژگی‌های ممتاز افراد و تکثیر و سرایت آن به دیگران نقش خواهد داشت.

ه: اجرای این کار و تجربه آن بر انسان‌های دارای شرایط مساوی و اطمینان از نتایج آن، به

پژوهش‌های مختلف علمی کمک می‌کند.

طرفداران شبیه‌سازی این را نیز اضافه می‌کنند که شبیه‌سازی عملی طبیعی است که در برخی از حیوانات به شکل طبیعی اتفاق می‌افتد. هم‌چنان که بر این نکته تأکید می‌کنند که علم متعلق به همه انسان‌ها است و نمی‌توان از پیشرفت آن جلوگیری کرده موجب محرومیت انسان‌ها از نتایج آن شد.

البته به نظر می‌رسد در این‌جا با نوعی مبالغه در خیال و اغراق‌گویی روبه‌رو هستیم. اینان جامعه‌ای عاری از هرگونه بیماری با عناصری استوار که سبدهای بزرگی از معرفت و شناخت حمل می‌کنند، در قوه خیال خویش ساخته و پرداخته‌اند.

### آرای مخالفان شبیه‌سازی

مخالفان شبیه‌سازی نیز از خیالات جانب‌دارانه خود برای بیان آثار زیانبار مورد انتظار از شبیه‌سازی یاری گرفته‌اند. آنان در خیال‌پردازی گوی سبقت را از طرفداران شبیه‌سازی هم ربوده‌اند. موارد زیر از جمله اموری است که آنان مطرح می‌کنند:

الف: این کار مستلزم بی‌نظمی و آشفتگی نسب‌ها است؛  
 ب: این کار به معنای تغییر در خلقت پروردگار است؛  
 ج: این کار به معنای آمیزش سلول‌های جنسی نامحرمان است؛  
 د: این کار دخالت در آفرینش خداوند است؛  
 ه: این کار به بی‌نیازی از ازدواج می‌انجامد؛  
 و: این کار موجب کشتن سلول‌های بارور شده که موجوداتی آماده برای انسان شدن هستند می‌شود؛

ز: احتمال دارد این کار به نابودی جوامع بشری و محروم ساختن انسان از انسانیتش منجر شود؛  
 ح: استمرار بشریت به تنوع ژنتیک او است و این تنوع با به‌کارگیری این شیوه از بین می‌رود؛  
 ط: این امر سقط جنین را تشویق می‌کند؛  
 ی: میل طبیعی به داشتن فرزند، به میل به نوعی خاص از آن تبدیل می‌شود؛  
 ک: این کار در دوقلوها باعث می‌شود که همزاد کوچک‌تر به آینده خود از راه شناخت زندگی همزاد بزرگ‌تر آگاهی یابد؛

ل: مشکلات ارث در این شیوه از توالد و تناسل بسیار پیچیده و مسائل آن رنج‌آور است و روایاتی مبنی بر نهی از فساد موارثت وارد شده است (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص ۳۱۱)؛  
 م: مشکلات حاملگی دختران باکره به ویژه از طریق یکی از سلول‌های او نیز از پیامدهای شبیه‌سازی است؛

ن: احتمال سوءاستفاده جانیان و تبهکاران حرفه‌ای از این شیوه وجود دارد.



## ارزیابی اولیه این اتهامات

ارزیابی این اتهامات، آرای طرفداران شبیه‌سازی را هم روشن می‌کند. با نگاهی گذرا به این اتهامات ملاحظه می‌شود که آنها توان پایداری در برابر نقد را ندارند و اقتضا این است که در همه آنها تجدید نظر به عمل آمده موضع منفی قاطع در برابر شبیه‌سازی اتخاذ نگردد.

اما موضوع اختلاط نسب‌ها که برخی روایات به آن اشاره نموده است، مسلمانان را از آن برحذر می‌دارد. به باور ما بنای اجتماع در جهان‌بینی اسلامی بر همین مسئله است. در پرتو پاسداری از نسب‌ها است که نظام‌های اجتماعی مهمی مثل نظام خانواده، ارث و برخی نظام‌های اجتماعی دیگر شکل می‌گیرد.

در روایتی از محمد بن سنان از امام رضا علیه السلام و در پاسخ به سؤال‌هایی که به محضر آن حضرت نوشته، آمده است: « خداوند زنا را به خاطر پیامدهای فاسد آن از قتل نفس و از بین رفتن نسب‌ها حرام فرمود» (پیشین).

و در کتاب «احتجاج» مرحوم طبرسی آمده است که زندقی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: چرا خداوند زنا را حرام کرده است؟ امام فرمود: به خاطر فساد و از بین رفتن میراث و بریده شدن نسب‌ها. در زنا، زن نمی‌داند چه کسی او را بارور ساخته و فرزند هم نمی‌داند پدرش کیست (طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۹۳).

روشن است که این دو روایت مسئله بی‌نظمی و آشفتگی در نسب و از بین رفتن آن را مد نظر دارند، گویا اینها از مسائلی است که حرمت و کنار گذاشتن آنها از مسلمات شرعی است و نباید آن را فقط به زنا منحصر کرد بلکه باید به هر چه چنین نتیجه‌ای در بر داشته باشد تعمیم داد. مگر این که آن چه طرفداران شبیه‌سازی مطرح می‌کنند به شکل زیر و به‌طور خلاصه پاسخ داده شود:

۱- ضمانت حفظ نسب ممکن است از این راه تضمین شود که سلول بارور شده از تخمک زن و سلول گرفته شده از مثلاً پوست شوهر تهیه شود. در این صورت بدون تردید فرزند متعلق به آنهاست و روشن است که با آماده بودن سایر شرایط بسیاری از نوزادان را می‌توان از این طریق به عمل آورد.

۲- شبیه‌سازی هیچ‌گاه پدیده‌ای اجتماعی و گسترده نخواهد بود، بلکه حالت‌هایی بسیار استثنایی است (دست‌کم با امکاناتی که در حال حاضر در اختیار انسان است) و در این صورت وجود افراد کمی که نسبت آنها مشخص نباشد، یا تنها به مادرشان منتسب باشند، اشکالی به وجود نمی‌آورد، درست مثل فرزند شبهه که فقط به مادر منتسب است و موجب اختلاط و آشفتگی نسب نمی‌شود، بلکه تنها موجب مجهول بودن نسب شده موضوعاً از احکام نسب خارج می‌شود.

۳- احتمال سوءاستفاده از این موضوع، در مسئله بارورسازی آزمایشگاهی هم وجود دارد و تقریباً همه فقها آن شیوه را مجاز شمرده‌اند.

البته ما در پی آن نیستیم که وجود این اشکالات را تأیید کنیم، بلکه مقصود ما آن است که باید ابتدا بر اصل وجود موانع اطمینان لازم به دست آید. اما در موضوع تغییر در خلقت خداوند، این آیه شریفه را ذکر می‌کنند که خداوند دربارهٔ شیطان می‌فرماید:

«لَعْنَةُ اللَّهِ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا \* وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَأَمْرَنَّهُمْ فَلَيَتَّبِعُنَّ أَذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَأَمْرَنَّهُمْ فليَغِيرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا؛ خدا لعنتش کند [وقتی که] گفت: بی‌گمان، از میان بندگانت نصیبی معین [برای خود] برخواهم گرفت و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد، و وادارشان می‌کنم تا گوش‌های دام‌ها را شکاف دهند، و وادارشان می‌کنم تا آفریدهٔ خدا را دگرگون سازند و [لی] هر کس به جای خدا، شیطان را دوست بگیرد، به یقین دچار زیان آشکاری شده است» (نساء/ ۱۱۸-۱۱۹).

آشکار است که شیطان رجیم با اشاره به دسته‌ای از بندگان خدا، تهدید می‌کند که آنها را برای کارهای شیطانی خود به کار گیرد، که از جمله آن کارها، شکاف دادن گوش‌های دام‌ها و دگرگون ساختن خلقت پروردگار است. این کار بدون تردید مورد خشم پروردگار است؛ به همین خاطر آن را زیان آشکار برمی‌شمارد.

آیا این کاری که ما به بررسی آن پرداخته‌ایم هم از مصادیق تغییر نهی شده در خلقت خداست؟ از این رو گفته می‌شود که امکان ندارد که منظور از شکاف دادن گوش دام‌ها و تغییر خلقت، مفهومی آن باشد، تا شامل اموری با انگیزه‌های مشروع و خردپسند و غیرشیطانی هم بشود، و گرنه شامل هر تغییری در بدن، مثل تراشیدن مو، ختنه کردن، بریدن گوش شتر و کلیه آرایش‌ها هم می‌شد و همهٔ اینها حرام می‌گردند. این نوع معنا کردن آیه امری است که بطلان آن آشکار می‌باشد.

تعمیم در معنای لغوی آیه، به معنای هر تغییری در خلقت خداوند که شامل هر گونه دگرگونی در طبیعت بشود، صحیح نیست. آیا همه اینها حرام است؟ هرگز! پس منظور هر دگرگونی نیست، بلکه همان‌طور که برخی از دانشمندان گفته‌اند، منظور کارهای شیطانی و خرافی است که برخاسته از تصورات شیطانی و جاهلانه باشد و موجب هدر دادن ثروت‌های طبیعی شود و این مانند این گفته خداست که می‌فرماید:

«مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ؛ خدا [چیزهای ممنوعی از قبیل] بحیره و سائبه و وصیله و حام قرار نداده است» (مائده/ ۱۰۳).

۱- بحیره به ماده شتری می‌گفتند که پنج‌بار زاییده بود و پنجمین آنها ماده بود. گوش این حیوان را می‌شکافتند و آن را رها می‌کردند. «سائبه» ماده شتری بود که دوازده بچه می‌آورد و آن را آزاد می‌کردند. «وصیله» به گوسفندی می‌گفتند که هفت‌بار فرزند می‌آورد و به روایتی به گوسفندی می‌گفتند که دوقلو می‌زاید. «حام» به حیوان نری می‌گفتند که از آن برای آبستن کردن حیوانات ماده استفاده می‌کردند و آن را آزاد می‌نمودند.

زیرا گوش شترهای بحیره را می‌شکافتند و رهایش می‌کردند. علامه طباطبایی در «المیزان» می‌گوید: «عرب جاهلی گوش شتران بحیره و سائبه را می‌شکافت تا گوشتش حرام باشد» (طباطبایی، ج ۵، ص ۸۴) هم‌چنان که بعید نیست مراد از دگرگون ساختن خلقت پروردگار، بیرون رفتن از حکم فطرت و ترک کردن دین حنیف او باشد، به دلیل: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَیْمُ؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این همان دین پایدار است» (روم ۳۰/).

شاید سیاق آیات، این برداشت را تأیید نماید. روایتی از امام صادق علیه السلام نیز که در «مجمع البیان» در تفسیر این آیه آمده است، این برداشت را تأیید می‌کند.

بنابراین نمی‌توان به آیات مذکور ( نساء/ ۱۱۸ و ۱۱۹) استناد کرده هر نوع دگرگون‌سازی در طبیعت، از جمله شبیه‌سازی را رد نمود، زیرا مراد از تغییر در خلقت، نوعی خاص از آن است که با تشویق و تجویز شیطان انجام شود.

با این‌که در واقع کار شبیه‌سازی استفاده از قوانینی است که خداوند بر طبیعت حاکم ساخته و آن‌گونه که در اتهامات مخالفان شبیه‌سازی آمده، دخالت در خلق پروردگار یا به چالش کشیدن قدرت او محسوب نمی‌شود. و اگر چنین بود باید باب هر نوع ابداع و ابتکار علمی در مسائل ژنتیک را در تمامی زمینه‌های طبیعی بر روی خود می‌بستیم.

اما موضوع اختلاط میاه نامحرم‌ان که در این‌جا مطرح می‌کنند، به‌طور کلی مردود است، هم از لحاظ کبرای قضیه و هم از لحاظ صغرای آن؛ یعنی هم به عنوان یک اصل کلی، و هم از جهت تحقق خارجی آن. اما کبرای قضیه: ما هیچ دلیلی بر حرمت اختلاط میاه نامحرم‌ان، به‌طور کلی، حتی در خارج از رحم نداریم، بلکه تمامی ادله بر حرمت زنا ناظر است، مگر برداشت‌هایی از روایاتی که از حرمت قرار دادن منی در رحم حرام سخن به میان می‌آورد، مثل روایتی که در کافی با سندهای معتبر از علی بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمود: «ان اشد الناس عذابا یوم القیامة رجل اقر نطفته فی رحم یحرم علیه؛ همانا شدیدترین عذاب در روز قیامت، نصیب مردی است که نطفه‌اش را در رحمی قرار می‌دهد که بر او حرام است» (کلینی، ۱۳۶۷ ش، ج ۵، ص ۵۴۱؛ حر عاملی، پیشین، ج ۲۰، ص ۳۱۸). این روایت را صدوق در «ثواب الاعمال و عقاب الاعمال»، روایت کرده است (صدوق، ۱۳۶۸ ش، ص ۲۶۳). برقی نیز در «محاسن» روایتی شبیه آن آورده است.

و نیز روایتی که صدوق در «من لا یحضر الفقیه» از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمود: «لن یعمل ابن آدم عملا اعظم عند الله تبارک و تعالی من رجل قتل نبیا او اماما او هدم الکعبة الی جعلها الله عزوجل قبله لعباده، او افرغ ماء فی امرأة حراما؛ فرزندان آدم کاری

خطیرتر نزد خداوند تبارک و تعالی از عمل مردی انجام نمی‌دهند که پیامبر یا امامی را بکشد، یا کعبه را که خداوند آن را قبله بندگان قرار داده است، خراب کند، یا نطفه‌اش را در [رحم] زنی خالی کند که آن زن بر او حرام است».

ولی امثال این روایات علاوه بر ضعف سند، بدون شک به عمل زنا ناظر است، به ویژه با ملاحظه این که عذاب بسیار سختی را برای آن ذکر کرده است و احتمال داده نمی‌شود که این عذاب فقط برای رساندن نطفه مرد به رحم زنی باشد که بر او حرام است، مگر این که بگوییم به خاطر حساسیت موضوع، حدیث شامل این کار هم می‌شود. اما شمول این حکم بر مورد بحث ما از نظر صغرای قضیه هم صحیح نیست، زیرا شبیه‌سازی، همان‌طور که روشن است، اختلاط میاه و انعقاد نطفه‌ای در کار نیست، مگر این که گفته شود این مورد، در حکم انعقاد نطفه است، پس به آن قیاس می‌شود، و در این جا به مواردی بسنده می‌شود که نطفه منعقد شده است.

اما موضوع بی‌نیازی از ازدواج به واسطه شبیه‌سازی: اگر فرض کنیم که مسئله شبیه‌سازی تا این حد ساده شود - که بعید است - باز هم انگیزه‌های ازدواج در فرزندآوری منحصر نیست و فرزندآوری از طریق ازدواج هم قبل از هر چیزی خواسته انسان است و کسی برای آن به امثال این امور روی نمی‌آورد، مگر به‌طور استثنا.

اما موضوع سلول‌های بارور شده متعدد و نابود کردن آن: آن‌چه قابل تصور است این است که این سلول‌های بارور شده، انسان نیست و نابود کردن آنها مشمول ادله حرمت قتل یا ادله پرداخت دیه در مقابل نابود کردن جنین و امثال آن نمی‌شود.

اما موضوع احتمال نابودی جوامع انسانی و یا عاری ساختن انسان از انسانیتش: این مسئله‌ای است که هیچ دلیلی بر آن وجود ندارد، بلکه می‌توان گفت: شبیه‌سازی کاری است که برخی جوامع بشری یا برخی خانواده‌ها را از بیماری‌های موروثی نجات داده موجب تقویت صفات خوب در نسل انسانی می‌شود.

هم‌چنین، مسئله تنوع ژنتیک [که ادعا می‌شود با شبیه‌سازی از بین می‌رود]، اولاً ثابت نشده که در شبیه‌سازی انطباق کامل بین نسل سابق و لاحق به حدی باشد که هر گونه تنوعی از بین برود؛ ثانیاً: اختلاف آب و هوا و عوامل خارجی دیگر خود نوعی اختلاف ژنتیک بین موجودات را سبب خواهد شد.

به نظر می‌رسد که عمل سقط جنین به‌طور کامل محکوم قانون و شریعت باقی خواهد ماند؛ هم‌چنان که در وضع کنونی جنین است، و مسئله میل طبیعی به داشتن فرزند هم به همین وضع خواهد ماند، زیرا اینها از عمق فطرت انسانی سرچشمه می‌گیرد و آدمی ابزاری کر و کور نیست که فقط تابع برنامه‌هایی باشد که از قبل برای او ریخته‌اند و از هر گونه عاطفه، احساس و انگیزه‌های فطری دور باشد.

اما احتمال این که همزاد کوچک آینده خویش را از سرنوشت همزاد بزرگ‌تر بشناسد و این امر سبب پیدایش برخی بیماری‌ها در نتیجه پیش‌بینی زودرس آینده‌اش بشود، نیز صحیح نیست، زیرا می‌توان گفت این شناخت خود می‌تواند مشوق چاره‌جویی او برای مقابله با بیماری‌هایی باشد که احتمال می‌دهد در آینده به آن مبتلا گردد.

تنها مسائل فقهی ارث، نگاه کردن و روابط اجتماعی بین انسان‌های شبیه‌سازی شده باقی می‌ماند که فقه اسلامی باید به دور از رها ساختن خود از تبعات پاسخ‌گویی و راه را از اساس به روی خود بستن و محروم ساختن انسان از نتایج درخشان این پژوهش‌ها، موضع خود را در برابر آن مشخص کند.

در پایان، اجرای بد این کشفیات و سوءاستفاده از نتایج آن باقی می‌ماند، که این مسئله‌ای است که اختیارش در دست انسان است. او می‌تواند با پیروی از اخلاق متین و استوار اجتماعی و روح پاک انسانی، از این نوع سوءاستفاده‌ها پرهیز کند، و نمی‌توان درهای خیر را به خاطر وجود کسانی که از آن بهره‌برداری منفی می‌کنند، بست.

و در این‌جا به ادله طرفداران شبیه‌سازی برمی‌گردیم و آن را دلایلی قوی، محکم، قابل تأمل و بررسی می‌یابیم، به ویژه این دلیل آنها که گفته‌اند علم به تمامی انسان‌ها تعلق دارد و نمی‌توان بشریت را به خاطر مجرد احتمال‌ها، گمان‌ها و فرضیاتی که در مقابلش فرضیات مثبت و احتمالات قابل قبول دیگری هم هست، از نتایج علوم و دانش‌ها محروم ساخت. البته شیوه‌هایی که به کار می‌رود باید از امور خلاف شرع و لوازم غیرمجازی که به‌طور طبیعی با این نوع پژوهش‌ها همراه است، به دور باشد.

و در پایان ما در صدد آن نیستیم که حکمی قاطع درباره این موضوع بیان کنیم بلکه تأکید ما بر ضرورت دوری از صدور حکم عجولانه است و این که این موضوع را از سطح جراید به پژوهش‌های علمی منتقل کرده آن را از فضای عاطفی، حماسی و غوغاسالارانه رها سازیم تا فقط در جوی علمی و سالم بررسی گردد.

و بالاخره ما به جلوگیری از این عمل گرایش داریم، زیرا دست‌کم به ایجاد انسان‌هایی منتهی می‌شود که نسب آنها معلوم نیست و روشن است که این امر مورد رضایت اسلام نیست.

## منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- حرعاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- ۳- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، مکتبه شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۸ش.

- ۴- طباطبائی، محمدحسین، المیزان، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
- ۵- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تحقیق: محمدباقر خراسان، دار النعمانی، نجف، ۱۳۸۶ق.
- ۶- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۷ش.

